جلسه 106-732

**چهار‌شنبه - 18/01/95**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به مستثنیات وجوب مبیت در منی بود.

رسیدیم به استثناء دوم که مرحوم آقای خوئی فرمودند من اشتغل بالعبادة فی مکة تمام لیلته ما عدا الحوائج الضروریة کالاکل و الشرب و نحوهما.

فرمودند کسی که تمام شب را در مکه مشغول عبادت بشود، یا اگر بعد از آمدن شب از منی خارج بشود، هر وقت برسد به مکه بلافاصله مشغول عبادت بشود تا طلوع فجر، دیگر گناهی ندارد که مبیت به منی را ترک کرده. البته اشتغال به عبادت در تمام لیل منافات ندارد با این‌که حوائج ضروریه را هم در اثناء بر آورده کند مثل مقداری اکل، مقداری از شرب. بلکه برخی گفتند نوم یغلب علیه، خیلی خوابش می آید، می گوید پنج دقیقه بخوابم بلند بشوم که عبادت بکنم، بعضی‌ها او را هم استنثاء کردند ولی آقای خوئی او را استثناء نکرد.

بحث در این بود که اصل دلیل بر این‌که اشتغال به عبادت در مکه مجوز ترک مبیت در منی است، عمدتا صحیحه معاویة بن عمار است که تعلیل کرد، فرمود: کان فی طاعة الله عز و جل. موضوعش کسی است که عن رجل زار البیت فلم یزل فی طوافه و دعائه و السعی و الدعاء حتی طلع الفجر فقال: لیس علیه شیء کان فی طاعة الله عز و جل. گفتند العلة تعمّم. امام استدلال فرمود برای جواز اشتغال به مناسک حج در شب‌های منی، به این‌که کان فی طاعة الله عز و جل. البته فقهاء مختص کردند این را به خصوص اشتغال به عبادت در مکه.

به نظر ما این استدلال ناتمام است؛ چون اگر بنا بود این جمله تعلیل باشد برای جواز ترک مبیت به منی، اولا: اختصاص ندارد به مکه. هر اشتغال به اطاعتی که منافات پیدا کند با حضور در منی و لو یک عمل مستحبی است در خارج منی که مصداق اطاعة الله است و لکن در مکه هم نیست.

[سؤال: ... جواب:] تعلیل شما می گویید معمم است. تعلیل وقتی معمم بود پس می شود ما کان طاعة لله فیجوز ترک المبیت فی منی لاجله.

بله اگر جمع بشود با مبیت در منی مثل این‌که در هتل می خواهد نماز شب بخواند،‌ ممکن است کسی بگوید که در منی هم می توانی نماز شب بخوانی.

حالا این را برخی مثل آقای داماد فرمودند شامل نمی‌شود. کان فی طاعة الله آن طاعتی که انجامش منافات دارد با مبیت در منی.

البته آقای خوئی که این قید را نزدند. فرمودند عبادت خدا در مکه و لو در هتل بنشیند قرآن بخواند، ذکر بگوید. می گویند این کار را که می توانستی در منی بکنی، آقای خوئی می گوید چه اشکالی دارد؟ روایت می گوید کان فی طاعة الله عز و جل. این مشغول اطاعت خدا بوده؛ پس می تواند ترک مبیت در منی بکند. و لو این عبادتش در مکه هیچ توقف بر حضورش در مکه ندارد؛ می تواند همین کارها را در منی بکند.

آقای داماد یک قیدی زده فرموده نه؛ اشتغال به عبادتی باشد که با حضور در منی تنافی دارد. بعد نتیجه گرفته این غیر از مناسک حج چیز دیگری نیست.

فرمایش آقای داماد که خواسته در عین حالی که کان فی طاعة الله را علت جواز ترک بیتوته در منی بگیرد و لکن بخواهد کاری بکند که این علت معمم نباشد، به این جهت فرموده که ما ملتزم می شویم هر اشتغال به اطاعة الله که جمع نشود با بیتوته در منی، مجوز ترک بیتوته است. اما مصداق پیدا نمی‌کنیم برای این عبادتی که منافی است با بیتوته در منی غیر از اشتغال به مناسک حج.

فرمایش آقای داماد عرفی نیست. اولا: نماز شب در مسجد الحرام، نظر به کعبه که آن هم عبادت است. النظر الی الکعبة عبادة. این یک عبادتی است که منافات دارد با حضور در منی.

حالا مرحوم استاد می فرمودند که انصراف دارد اشتغال به عبادت از نظر به کعبه.

و لکن انصراف روشن نیست. چرا انصراف دارد؟ عبادت است.

[سؤال: ... جواب:] نماز شب در مسجد الحرام با نماز شب در منی یکی است؟ این فرد از عبادت خدا جمع نمی‌شود با مبیت در منی؛ چون این نماز شبی است در مسجد الحرام.

یا طواف مستحب. این عبادتی است که منافی با حضور در منی است.

وانگهی، اشکال دوم: جناب آقای داماد! در کجای کان فی طاعة الله آمده است که طاعة تنافی المبیت فی منی؟ العلة تعمم. آن روایاتی که می گفت الا ان یکون شغلک نسکک بله، او اصلا اشتغال به مناسک حج که مانع بشود از عود به منی. اما در این روایت که کان فی طاعة الله ندارد طاعة تمنعه من العود الی منی. این قید بلاوجه است. اگر این جمله تعلیل باشد برای جواز ترک مبیت به منی، انصافا باید ملتزم بشویم کل ما کان طاعة لله و لو جمع بشود با حضور و بیتوته در منی، اما من می خواهم در هتل اطاعت خدا بکنم، قرآن بخوانم، نماز بخوانم، اگر کان فی طاعة الله یعنی کان مشتغلا بطاعة الله علت باشد برای جواز ترک مبیت به منی، خب این علت عام است و لو اشتغالی که مانع از حضور در منی نباشد. و آن وقت اختصاص به مکه هم نخواهد داشت. بلکه اختصاص به عبادت هم نخواهد داشت. طاعت اعم از عبادت است. و لو مستحب توصلی را آوردن، سرکشی به فقراء، سرکشی به پیرمردهایی که حجاجی هستند که مریض شدند در بیمارستان‌های مکه هستند، اتفاقا این کار را هم بگوییم مانع از عود الی منی هم خواهد بود.

[سؤال: ... جواب:] اگر امام اجازه بدهند که ما که نمی‌توانیم بخل بورزیم.

اشکال اساسی چیز دیگری است. اشکال اساسی که ممکن است این فرمایش شما مؤید آن باشد این است که اصلا کان فی طاعة الله تعلیل جواز ترک مبیت به منی نیست. روایت این است: رجل زار البیت فلم یزل فی طوافه و دعائه و السعی و الدعاء حتی طلع الفجر. قال: لیس علیه شیء. لیس علی شیء می تواند به این معنا باشد که کفاره ندارد. چرا؟ برای این‌که این در حال اطاعت خدا بوده. یعنی ترک مبیتش به منی و اشتغالش به نسک حج، اطاعت خدا بوده. این‌که نافرمانی نکرده است خدا را تا بگوییم کفاره بدهد. آن وقت تعلیل این می شود چون مفروغ عنه گرفت امام و در روایات دیگر هم بود که اشتغال به نسک حج مجوز ترک مبیت به منی است. پس کسی که مشتغل شد به مناسک حج و بیتوته نکرد در منی این در ترک بیتوته در منی و بخاطر اشتغال به مناسک حج فی طاعة الله است و لذا کفاره ندارد. علت می شود برای عدم کفاره. علت هم این است: کل من کان فی ترکه للمبیت بمنی و اشتغاله بعمل مصداقا لطاعة الله فلیس علیه کفارة. آن وقت تطبیقش بر کسی که در هتل بنشیند قرآن بخواند می شود تطبیق عام بر شبهه مصداقیه حتی بر کسی که بخواهد در مسجد الحرام نماز شب بخواند، نظر الی بیت الله بکند.

مؤید این احتمال دوم که استظهار هم نکنیم صرف احتمالش کافی است برای منع از استدلال به جواز اشتغال به مطلق عبادت در مکه، مؤید این احتمال همین است که آقا اشاره کردند که این چیز بعیدی است که اشتغال به مطلق طاعت و لو طاعت مستحبه این مجوز ترک یک واجبی باشد به نام مبیت در منی. این یک استبعادٌمایی دارد و این موجب عدم انعقاد ظهور این صحیحه می شود در آن معنای اول.

و لذا ما معتقدیم تنها چیزی که جائز است اشتغال به مناسک حج است. او مجوز ترک مبیت به منی است. یا کار دیگری که وجوب یا استحبابش ثابت است حتی به این نحو که شارع گفته است ترک کن مبیت در منی را، برو سراغ این کار. مثل این‌که حفظ نفس محترمه‌ای متوقف باشد بر ترک مبیت در منی. این کفاره ندارد؛ کان فی طاعة الله. اهمیتش هم احراز بشود که ترک مبیت در منی بخاطر این واجب اهم هست. یا بخاطر مستحبی است که دلیل پیدا کردیم بر جواز ترک مبیت در منی بخاطر آن. بعد می گوییم کان فی طاعة الله؛ کفاره ندارد.

[سؤال: ... جواب:] لازم نیست سائل بداند. از جواب امام همه چیز را فهمید. ... نمی‌دانیم. صحیحه معاویة بن عمار سؤال می کند که عن رجل زار البیت فلم یزل فی طوافه و دعائه و السعی و الدعاء حتی طلع الفجر. نگفت هل علیه اثم؟ نگفت هل علیه کفارة؟ امام فرمود لیس علیه شیء که قدر متیقن این است که لیس علیه کفارة کان فی طاعة الله.

[سؤال: ... جواب:] چرا اگر شما گفتید که کل ما کان طاعة لله مجوز لترک المبیت بمنی دیگر ضرورت به شرط محمول که نمی‌شود بگیرید. ضرورت به شرط محمول که نمی‌توانید بگویید. خود این دلیل بر جواز ترک مبیت به منی می شود. هر چیزی که طاعة الله است فی نفسه طبق احتمال اول می شود مجوز ترک مبیت به منی. و الا اگر بگویید هر چیزی که طاعت خدا است و مجوز ترک مبیت به منی است او مجوز ترک مبیت به منی است، این‌که ضرورت به شرط محمول.

[سؤال: ... جواب:] اطلاق بنابر آن احتمال دوم اطلاق وجوب بیتوته در منی از شبهه مصداقیه هم بیرون می آورد. این فرض را می گوید تو در اطاعت خدا نیستی، تو واجب بود بر تو مبیت به منی، طبق احتمالی که ما مطرح کردیم. و از شبهه مصداقیه هم خارج می شود. دیگر حال اطاعت خدا نخواهد بود. ... لم یزل فی طوافه و دعائه و السعی. سعی مستحب که ما نداریم. خود طوافه ظاهرش این است که همان طواف مربوط به حج.

[سؤال: ... جواب:] خود زار البیت آن هم ظهور دارد در زیارت واجبه بعد از منی. این‌که آقای داماد فرمودند زیارت ظهور دارد در زیارت مستحبه خیلی عجیب است. این همه روایات داریم فی الزیارة، طواف الزیارة و هو طواف النسا، پیغمبر زار البیت و طواف نساء بجا آورد پیامبر. آقای داماد فرمودند ظهور فی الزیارة یعنی زیارت مستحبه بیت. این هم خیلی چیز عجیبی است. الجواد قد یکبو. ظاهر زیارت همان اتیان به مناسک حج است بعد از عود به منی.

[سؤال: ... جواب:] دعائش برای ما که دنبال فرار از وظیفه هستیم، سریع برو طواف بکن سریع برو سعی بکن آخرش هم می گویی خسته شدم چقدر طول کشید، بله. اما آن سعی پیغمبر را بخواهی حساب کنی، آن سعیی بود که به اندازه قرائت سوره بقره وقوف می کرد بر جبل صفا. اگر این‌طور باشد ساعت‌ها طول کشیده.

[سؤال: ... جواب:] حالا آن بحث دیگری است که اگر اشتغال به مناسک حج قبل از نیمه شب یا قبل از طلوع فجر تمام شد چه بکند این مسأله‌اش را بعد بیان می کنیم.

مطلبی که در اینجا هست علی مسلک المشهور بحث می کنیم. بنابر مسلک مشهور عرض کردم که مطلق اشتغال عبادت در مکه کافی هست، آیا مطلق مکه است یا مکه قدیمه؟

آقای خوئی استظهارشان این است که مراد مکه قدیمه است.

ما قبلا عرض کردیم همان‌طور که خیلی از بزرگان: امام، ‌آقای سیستانی، آقای زنجانی دارند، خطاباتی که موضوعش مکه است، اعم از مکه قدیمه و جدیده است؛ اطلاق دارد. اگر هم در اطلاقش مناقشه بکنیم، کان فی طاعة الله اطلاق دارد. این‌که نداشت کان فی طاعة الله فی مکة. فوقش انصراف دارد از طاعة الله بیرون مکه مطلقا، اما از کان فی طاعة الله در مکه جدید که انصراف ندارد. در این روایت که نداشت کان فی طاعة الله فی مکه. اگر داشت آن وقت آقای خوئی می فرمود مکه مراد مکه قدیمه است. در این روایت که ندارد. شما از تسالم و امثال آن فهمیدید که بیرون مکه نمی‌شود اشتغال به عبادت داشته باشید. نمی‌دانیم این مقید منفصل ما آیا شامل مکه جدید هم می شود یا نه؟ تمسک می کنیم به اطلاق کان فی طاعة الله.

[سؤال: ... جواب:] کان فی طاعة الله اطلاق دارد. بله، قدر متیقن از مخصص منفصل عدم جواز اشتغال به عبادت است بیرون مکه چه جدید چه قدیم.

[سؤال: ... جواب:] انصراف که ندارد کان فی طاعة الله در مکه قدیمه. ... کی‌ها گفتند؟ فقهاء؟ مگر ما مقلد فقهاء می خواهیم بشویم؟ ... تسالم که دلیل لبی است. دلیل لبی که اطلاق ندارد. قدر متیقن این است که در بیرون مکه اعم از جدید و قدیم اشتغال به عبادت نکند. و الا شامل بخش جدید مکه می شود. کان فی طاعة الله.

این یک مطلب.

مطلب دوم این هست که آیا اشغال به عبادت باید در تمام شب باشد؟ یا در نیمه اول، از اول شب تا نصف شب، بدل بیتوته واجبه در منی مشغول عبادت می شود؟ اذان مغرب را که می گویند مشغول عبادت می شود تا نیمه شب. نیمه شب که شد می گیرد می خوابد. می گوید اگر در منی بودم چکار می کردم؟ تا الان بیتوته می کردم در منی.

بعضی‌ها این را مطرح کردند. شهید هم در دروس این را احتمال می دهد.

آقای سیستانی می گویند نه. اگر از اول شب مشغول عبادت بشوی بخواهی در مکه بمانی تا اذان صبح رهایت نمی‌کنیم. مدام باید نماز بخوانی. یک راه حل آسان هست: برو تا نصف شب استراحت بکن، نصف شب مشغول عبادت بشو تا اذان صبح؛ چون این مقدار کافی است. بر خلاف آقای خوئی فرمود که اشتغل بالعبادة تمام لیلته ما عدا الحوائج الضروریة.

[سؤال: ... جواب:] آقای سیستانی بر خلاف احتمال شهید اول در دروس که گفت نصف اول هم مشغول عبادت بشود در مکه کافی است، می گویند نصف اول کافی نیست. یا تمام شب یا نیمه دوم. ... کلام در این است که از نیمه شب تا اذان صبح باید مشغول عبادت بشوی. قبلش می خواهی بشو می خواهی نشو.

[سؤال: ... جواب:] روایت در بیتوته در منی گفت تخییر. در اشتغال به عبادت که نگفت تخییر. ... بدل بیتوته در منی که اشتغال به عبادت است زمانش همان زمان بیتوته است؟ باید دلیل بگوید. دلیل بر این مطلب اقامه کنیم.

آقای خوئی می فرماید که روایت دارد که فلم یزل فی طوافه و دعائه حتی طلع الفجر. صحیحه معاویة بن عمار موردش این است: عن رجل زار البیت فلم یزل فی طوافه و دعائه و سعیه و الدعاء حتی طلع الفجر قال لیس علیه شیء کان فی طاعة الله. و لذا آقای خوئی می گوید در تمام شب باید مشغول عبادت بشوی.

و اگر اجمال هم داشت دلیل اشتغال به عبادت، اطلاق نداشت، نمی‌توانید بگویید برائت جاری می کنیم از وجوب اشتغال بیش از یک نیمه شب. نخیر؛ اینجا جای اصل عملی نیست. در تایید آقای خوئی دارم عرض می کنم. اطلاق دلیل وجوب بیتوته در منی محکم است الا ما خرج بالدلیل. قدر متیقن از خروج دلیل اشتغال به عبادت در تمام شب است. پس دلیل آقای خوئی که صاحب جواهر هم به همین مطلب تمایل دارد روشن شد.

دلیل آقای سیستانی چیست؟ آنی که می شود برای آقای سیستانی به عنوان دلیل ذکر کرد این است که درست است که این صحیحه معاویة بن عمار دارد که فلم یزل فی طوافه و دعائه و السعی و الدعاء حتی طلع الفجر قال لیس علیه شیء کان فی طاعة الله. اما دلیل که منحصر به این نیست. صحیحه دیگر معاویة بن عمار می گفت لاتبت لیالی التشریق الا بمنی فان بت فی غیرها فعلیک دم. فان خرجت اول اللیل فلاینتصف اللیل الا و انت بمنی الا ان یکون شغلک نسکک. این روایت چی می گوید؟ این روایت می گوید هنگام نیمه شب هم اگر مشغول مناسک حج باشی کافی است. لازم نیست از اول شب مشغول مناسک حج باشی. فلاینتصف اللیل الا و انت بمنی الا ان یکون شغلک نسکک. پنج دقیقه مانده به... حالا یک ساعت مانده به نیمه شب فرض کنید که وقت هم هست به منی برگردد، می گوید حالا که نمی‌خواهم برگردم به منی راهش این است که مشغول نسک بشوم. اول می رود غسل زیارت می کند. نیم ساعت غسلش طول می کشد. بعد می آید وضوء می گیرد. وضوئش هم یک ربع طول می کشد. همین‌طور مدام طول می دهد طول می دهد. برای این‌که طول بکشد می گوید الا ان یکون شغلک نسکک صدق می کند. آن وقت صحیحه معاویة بن عمار که خواندیم که فلم یزل فی طوافه و دعائه حتی طلع الفجر گفت کان فی طاعة الله؛ نسک خصوصیت ندارد. مهم اشتغال به طاعة الله است.

پس استدلال به نفع آ‌قای سیستانی دو مقدمه پیدا کرد: یک: اشتغال به نسک از اول شب لازم نیست. اشتغال به نسکی که مانع است از عود به منی نیمه شب، او کافی است.

[سؤال: ... جواب:] حالا ما اصرار نداریم تا اذان صبح طول بکشد. می گویم قبل از نیمه شب شروع کرد مناسک حج را انجام داد. حالا قدر متیقن این است که تا طلوع فجر طول کشید. قدر متیقن این است. حالا موارد دیگر را هم بحث می کنیم ان‌شاءالله.

الا ان یکون شغلک نسکک صدق می کند. آن روایت دیگر صحیحه معاویة بن عمار تعلیل کرد گفت کان فی طاعة الله.

پس مقدمه اولی را عرض کردم: شغل نسک مانع از عود به منی نیمه شب بشود لازم نیست از ابتداء شب مشغول نسک بشویم. مقدمه ثانیه هم این است که علت آوردند که کان فی طاعة الله؛ نسک خصوصیت ندارد.

ممکن است آقای سیستانی بگویند ما تمسک می کنیم به خود همان صحیحه معاویة بن عمار که می گفت عن رجل زار البیت فلم یزل فی طوافه و دعائه حتی طلع الفجر. این‌که ندارد از اول شب. اطلاق دارد. نگفت از اول شب. وقتی اطلاق داشت تعلیل کرده که لیس علیه شیء کان فی طاعة الله.

این فرمایش اگر به عنوان فرمایش آقای سیستانی مطرح کنیم که در تایید ایشان عرض کردیم، عرض ما بود در تایید فرمایش آقای سیستانی، این بیان دوم اگر گفته بشود اطلاق دارد لقائل ان یقول بعد از نیمه شب هم شروع کند در نسک، او را هم شامل می شود. ساعت سه نصف شب بلند شد، تازه چشم‌هایش را می شورد از خواب بلند شده. سریع ماشین می گیرد می رود مسجد الحرام. فلم یزل فی طوافه و دعائه. البته لم یزل یک استمرار عرفی را می رساند. یک مقدار طوف کشید. ساعت یک و دو شروع کرد. مثال بزنیم که لم یزل خیلی کوتاه مدت نشود که لم یزل صدق نکند. ساعت یک نصف شب، یک ساعت بعد از نیمه شب شروع کرد تا ساعت پنج صبح لم یزل فی طوافه و دعائه و السعی و الدعاء حتی طلع الفجر. پس اگر این‌طور می خواهید استدلال کنید از اول نیمه شب هم لازم نیست.

ولی ممکن است آقای سیستانی جواب بدهند. بگویند آن صحیحه اول معاویة‌ بن عمار گفت فلاینتصف اللیل الا و انت بمنی الا ان یکون شغلک نسکک. آن صحیحه می گوید اگر نیمه شب مانعی نداری از رجوع به منی باید رجوع کنی. نه این‌که تا ساعت یک نصف شب در هتل بگیری بخوابی. درست است که آن صحیحه فلم یزل فی طوافه و دعائه اطلاق دارد و لو بعد از نیمه شب مشغول نسک بشود ولی این صحیحه دیگر معاویة بن عمار را هم ضمیمه کنید که می گوید فلاینتصف اللیل الا و انت بمنی الا ان یکون شغلک نسکک. یعنی در هنگام نیمه شب اگر مشغول مناسک نباشی، بخواهی بگویی دو ساعت دیگر می روم مشغول مناسک می شوم نه؛ فلاینتصف اللیل الا و انت بمنی الا ان یکون شغلک نسکک.

[سؤال: ... جواب:] ظاهر شغلک نسکک این است که خود نسک مشغول بکند نه مقدماتش را که رفته پیش پزشک آمپول تقویتی بزند یک سرم به او وصل کنند قوی بشود و برود مسجد الحرام بگوید شغلنی نسکی. شغلک نسکک یعنی مشغول نسک باشی.

پس فرمایش آقای سیستانی این‌طوری تقویت شد. و بعید هم نیست. و لذا اشتغال به عبادت در نیمه دوم کافی است اگر اصل اشتغال به عبادت مجوز ترک مبیت در منی باشد.

[سؤال: ... جواب:] ابتداء اول نیمه شب؛ انتهائش که خود آقای سیستانی هم گفتند حتی طلع الفجر. ... فلم یزل فی طوافه و دعائه حتی طلع الفجر. تعلیل در این روایت ذکر شد. صحیحه معاویة بن عمار دو تا بود. یکی گفت فلاینتصف اللیل الا و انت بمنی الا ان یکون شغلک نسکک. صحیحه ثانیه می گوید فلم یزل فی طوافه و دعائه حتی طلع الفجر قال لیس علیه شیء کان فی طاعة الله. تعلیل در این روایت دوم ذکر شده. پس نیمه شب باید مشغول مناسک باشی از صحیحه اولی استفاده کردیم. این‌که اگر بخواهی تعمیم استفاده کنی کان فی طاعة‌ الله موردت کسی است که لم یزل حتی طلع الفجر. ما در این مورد تعلیل ذکر کردیم. ما راجع به هر کسی که تعلیل ذکر نکردیم. ما راجع به این کسی که فلم یزل فی طوافه و دعائه و السعی و الدعاء حتی طلع الفجر گفتیم لیس علیه شیء کان فی طاعة الله. و لذا تعلیل نسبت به این موردی بود که لم یزل فی طوافه و دعائه و السعی و الدعاء حتی طلع الفجر می گوییم خصوصیت ندارد اشتغال به این مناسک حتی طلوع الفجر. حتی اطاعت خدایی تا طلوع فجر حکمش همین است.

پس هم باید مبدأ بشود ابتداء نیمه شب هم منتها می شود طلوع فجر. و لذا این فرمایش آقای سیستانی تقویت می شود.

[سؤال: ... جواب:] بحث نسک جدا است. بحث نسک را می رسیم. فعلا بحث اشتغال به مطلق عبادت است. راجع به نسک مطالب زیاد هست. آن را ان‌شاءالله بعد عرض می کنیم. فعلا طبق نظر مشهور که تعدی کردند از مناسک حج به مطلق عبادت داریم صحبت می کنیم.

پس این مطلب هم مطابق با نظر آقای سیستانی می شود.

یک مطلب دیگر هم عرض کنم.

و آن این است: آقای زنجانی حالا یک بحث دارند که نمی‌شود از مناسک حج به مطلق عبادت تعدی کرد که ما هم پذیرفتیم. اما یک اشکال جنبی هم دارند. می گویند چه تعدی بکنیم از مناسک حج به مطلق العبادة چه تعدی نکنیم، این حکم مختص شب یازدهم است و نه شب دوازدهم. شب دوازدهم متعارف نبوده که ان خرجت اول اللیل. بله، روز دهم و یازدهم متعارف بوده خروج به مکه. یوم النحر او من الغد. اما روز دهم نرود روز یازدهم نرود شب دوازدهم بشود بعد هوس کند برای زیارة البیت برود این متعارف نبوده. که ما این را قبلا جواب دادیم گفتیم اطلاق ادله می گیرد. اصلا در این روایت ندارد خرجت للزیارة؛ اطلاق دارد؛ خروج شب دوازدهم را هم می گیرد. روایات دیگر هم بود که ان خرج قبل غروب الشمس فلایصبح الا و هو بمنی. آن‌ها اختصاص به این ندارد؛ اختصاص به روز دهم ندارد. روز یازدهم خرج قبل غروب الشمس امام می فرماید اصراری ندارم اول شب بیایی منی. هنگام اذان صبح بیایی منی کافی است.

اما این مطلب را ان‌شاءالله باید بررسی کنیم: آقای زنجانی فرمودند من راجع به شب یازدهم که جائز می دانم اشتغال به عبادت در مکه در خصوص اشتغال به مناسک حج، تفصیل می دهم. خلاصه این تفصیل که استفاده‌اش از روایات کار دشواری است اما ان‌شاءالله روز شنبه باید ببینیم این تفصیل را از روایات چطور می شود در آورد این است: ایشان می گوید اگر اول شب منی نباشی مکه باشی، اول شب را مکه باشی، هر وقت اعمال مکه‌ات تمام شد توانستی برگردی قبل از اذان صبح به منی باید برگردی. مگر اعمالت طول بکشد. اگر اول شب در منی نباشی برای اعمال مکه هر مقدار طول بکشد حرفی نیست. اما اگر تمام شد، بیکار شدی، می توانی برگردی منی قبل از اذان صبح، باید برگردی. و اما اگر اذان مغرب، غروب آفتاب شب یازدهم در منی باشی، بعدش از منی خارج بشوی، بروی برای اعمال، [اگر] قبل از نصف شب اعمالت تمام بشود، باید برای اذان صبح برگردی منی. می توانی هم منی نیایی بیرون مکه بخوابی. در راه منی و مکه بیرون مکه بخوابی.

و اگر بعد از نصف شب اعمالت تمام بشود، این تفصیل دارد: یک وقت قبل از نصف شب شروع کردی اعمال را ولی بعد از نصف شب تمام می شود، ساعت ده شروع کردی دو تمام می شود، احتیاط واجب این است که بیایی منی. می ماند یک فرض. من بعد از نصف شب را شروع کردم اعمال مکه را. و ساعت دو تمام شد. ساعت یک شروع کردم سه تمام شد. بعد از نصف شب شروع کردم قبل از طلوع فجر تمام شد، اصلا در اینجا لازم نیست بیایم منی. می روم هتل می گیرم می خوابم. خوب دقت کردید. اول اذان مغرب در منی بودم اما زرنگی کردم. تا نصف شب نشد اعمال مکه را شروع نکردم. بعدش شروع کردم. آقای زنجانی بخاطر این زرنگی به تو یک جایزه می دهیم. بر تو لازم نیست برگشت به منی هنگام اذان صبح. البته بهتر است برگردی. برنگشتی مهم نیست.

این تفصیل‌ها را از روایات ببنید می شود استفاده کرد؟ ان‌شاءالله روز شنبه بحث می کنیم.